

تحلیل تطبیقی ضرورت و فواید نبوت از دیدگاه امامیه و اسماعیلیه

سید مصطفی حسینی چمازکتی^۱

چکیده

نبوت به عنوان یکی از اصول بنیادین تفکر اسلامی، در مکاتب مختلف کلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. این پژوهش به تحلیل تطبیقی دیدگاه امامیه و اسماعیلیه درباره ضرورت و فواید نبوت پرداخته است. از منظر امامیه، ضرورت نبوت به منظور تضمین سعادت اخروی انسان و کمال معنوی او امری ضروری است؛ اما نبوت از منظر اسماعیلیه، نه تنها ابزاری برای هدایت ظاهری، بلکه ابزاری ضروری برای رسیدن به تکامل معنوی انسان‌ها و درک عمیق‌تر از حقیقت دین است. امامیه با تأکید بر عقلانیت و معجزه به اثبات رسالت پیامبران و نقش آن‌ها در هدایت ظاهری و رفع اختلافات اجتماعی می‌پردازد. در مقابل، اسماعیلیه نبوت را ابزاری برای آشکارسازی حقایق باطنی و هدایت معنوی انسان‌ها می‌داند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده رویکردهای متفاوت دو مکتب نسبت به مفهوم وحی، وظایف پیامبران و پیوند میان ظاهر و باطن دین است. با این حال، هر دو مکتب بر اصول مشترکی مانند عصمت و علم پیامبران تأکید دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند به تقویت گفت‌وگوهای میان‌مذهبی و درک بهتر از تفاوت‌ها و اشتراکات میان مکاتب اسلامی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: نبوت، امامیه، اسماعیلیه، عصمت، هدایت باطنی، ضرورت نبوت، فواید نبوت.

تحلیل تطبیقی ضرورت و فواید نبوت از دیدگاه امامیه و اسماعیلیه

تحلیل تطبیقی ضرورت و فواید نبوت از دیدگاه امامیه و اسماعیلیه

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵.

۱. دانشجوی دکتری مدرّسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث (shalamche9@gmail.com)

۱. مقدمه

نبوّت در مکاتب اسلامی به عنوان مسیری برای هدایت بشر و برقراری ارتباط میان انسان‌ها و عالم الهی، مفهومی اساسی و بنیادین است. این مفهوم نه تنها در حوزه کلام و فلسفه اسلامی، بلکه در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و عرفانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. هر یک از مکاتب اسلامی، بر اساس مبانی فکری و اعتقادی خود، سعی کرده‌اند تا ضرورت و اهداف نبوّت را تبیین کنند. در این میان، امامیه و اسماعیلیه به عنوان دو مکتب بزرگ کلامی شیعه، دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه نبوّت ارائه کرده‌اند.

مکتب امامیه بر اساس اصول عقلانی و معجزه‌شناسی، پیامبران را به عنوان واسطه‌ای میان انسان و خداوند معرفی می‌کند و نقش آن‌ها را در رفع اختلافات انسانی و تبیین شریعت الهی برجسته می‌سازد. از منظر امامیه، نبوّت نه تنها ابزاری برای ارائه شریعت است، بلکه پیامبران به عنوان الگوهای الهی، انسان‌ها را به سمت کمال و معرفت الهی هدایت می‌کنند (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۷۱-۱۷۲).

در مقابل، مکتب اسماعیلیه تأکید بیشتری بر جنبه‌های تأویلی و باطنی دین دارد و پیامبران را به عنوان واسطه‌ای برای آشکارسازی حقایق باطنی و هدایت معنوی انسان‌ها معرفی می‌کند. از نظر اسماعیلیه، نبوّت تنها به عنوان یک فرآیند ظاهری برای ارائه شریعت نیست؛ بلکه پیامبران به عنوان کسانی که رازهای پنهان عالم را فاش می‌سازند، در مقام معلّمان و مرشدان معنوی ایفای نقش می‌کنند (سجستانی، ۱۹۸۶: ۸۷-۹۵).

با وجود تفاوت‌های رویکردی میان این دو مکتب، هر دو بر اهمیت پیامبران به عنوان واسطه‌ای میان خداوند و انسان تأکید دارند و نقش آن‌ها را در ارتقای معرفت انسانی و هدایت بشر به سوی کمال نهایی ضروری می‌دانند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه، ضرورت و فواید نبوّت را از منظر هر یک تحلیل نماید. در این راستا، امامیه بر نقش پیامبران در ارائه شریعت و رفع اختلافات انسانی تأکید دارد، در حالی که اسماعیلیه، پیامبران را به عنوان واسطه‌ای میان ظاهر و باطن دین معرفی می‌کند و نقش آن‌ها در تحقق هدایت معنوی و فکری انسان‌ها را مهم می‌داند.

هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی و دقیق‌تر این دیدگاه‌ها و تبیین جایگاه نبوت در نظام فکری هر یک از این مکاتب است که می‌تواند درک بهتری از ضرورت نبوت و جایگاه پیامبران در فرایند هدایت بشر در تاریخ اسلام فراهم سازد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه نبوت و دیدگاه‌های کلامی مختلف درباره آن، پژوهش‌های متعددی انجام شده است که به تبیین ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. در این بخش، به برخی از مهم‌ترین آثار مرتبط با نبوت در مذاهب کلامی اسلامی اشاره خواهیم کرد:

۱. ایزدی‌تبار در مقاله «اثبات ضرورت نبوت از دیدگاه فیلسوفان» (۱۳۹۰: ۲/۶) ضرورت و جایگاه نبوت در فلسفه اسلامی و تأثیرات آن بر فلاسفه مسلمان را بررسی کرده است. این پژوهش به تحلیل استدلال‌های فلسفی و عقلانی برای اثبات نبوت پرداخته و نقش آن را در هدایت بشر و سامان‌دهی به امور اجتماعی و دینی تبیین کرده است.

۳. سلطانی در مقاله «نبوت از دیدگاه اسماعیلیان» به تبیین جایگاه نبوت در مکتب اسماعیلیه پرداخته است. این پژوهش به‌ویژه به جنبه‌های تأویلی و باطنی نبوت در اسماعیلیه پرداخته و نقش پیامبران را به‌عنوان واسطه‌هایی برای کشف حقایق پنهان دینی بررسی کرده است.

با این حال، پژوهشی که به‌صورت تطبیقی و جامع، دیدگاه‌های دو مکتب شیعی امامیه و اسماعیلیه را در زمینه نبوت بررسی و مقایسه کرده باشد وجود ندارد و تطبیق و مقایسه دقیق دیدگاه‌های این دو مکتب، به‌ویژه در مسائل ناظر به نبوت، به‌عنوان یک موضوع پژوهشی جدید و نو مطرح است که تاکنون مورد توجه کافی قرار نگرفته است.

این پژوهش، تلاش دارد تا خلأ موجود در تحقیقات پیشین را پر کند و دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه را به‌طور مقایسه‌ای تحلیل نماید تا نقشی که نبوت در هدایت بشر از منظر این دو مکتب ایفا می‌کند، بهتر درک شود.

۲-۱. اهمیت پژوهش

نبوت به‌عنوان یکی از اصول دین، جایگاه ویژه‌ای در اعتقادات اسلامی دارد و شناخت و آگاهی از مسائل مرتبط با آن از ضروریات است. بررسی و تحلیل دقیق شرایط، ویژگی‌ها و ضرورت‌های نبوت از آن‌جا اهمیت می‌یابد که در اصول اعتقادی جایز به تقلید نیست و هر فرد مسلمان باید با دلایل و استدلال‌های صحیح، به درک دقیقی از این مسائل دست یابد. به همین

دلیل، تحقیق و پژوهش در این حوزه، نه تنها لازم، بلکه ضروری است. در این راستا، اهمیت ویژه‌ای به پژوهش حاضر داده می‌شود که به شرح زیر است:

۱-۲-۱. تحلیل تطبیقی نوآورانه

این مقاله با بررسی دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه درباره نبوت، به تحلیل تطبیقی مفاهیم مختلف این دو مکتب در خصوص ضرورت و فواید پیامبران می‌پردازد. این مقایسه نشان‌دهنده تفاوت‌های فلسفی و کلامی عمیقی است که در مقالات مشابه کمتر به آن پرداخته شده است. از این رو، این پژوهش به عنوان یک نوآوری در مطالعات تطبیقی در این حوزه به شمار می‌آید.

۲-۲-۱. تأکید بر عقل و وحی

در این مقاله، مفاهیم عقل و وحی در ارتباط با ضرورت نبوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل چگونگی تأثیر و نقش این دو عامل در هدایت معنوی و ظاهری انسان‌ها در هر دو مکتب امامیه و اسماعیلیه، ابعاد فلسفی و عرفانی موضوع را برجسته می‌کند و درک بهتری از تعامل میان عقل و وحی در نظام اعتقادی اسلامی ارائه می‌دهد.

۳-۲-۱. تقویت تعاملات میان مذهبی

در دنیای کنونی که گاهی دشمنان تشیع به دنبال تفرقه افکنی میان مذاهب اسلامی هستند، این پژوهش می‌تواند نقش مؤثری در تقویت همبستگی و تعاملات میان مذهبی ایفا کند. تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه در خصوص نبوت، به ویژه در زمینه‌هایی مانند عصمت پیامبران و ضرورت وحی، به عنوان یک فرصت برای روشن کردن نقاط اشتراک و تقویت گفت‌وگوهای بین مذهبی در نظر گرفته می‌شود.

۴-۲-۱. پرداختن به فواید عملی نبوت

این مقاله به طور جامع به بررسی نقش پیامبران در هدایت معنوی و برقراری عدالت اجتماعی می‌پردازد و ابعاد عملی و کاربردی نبوت را پوشش می‌دهد. از این رو، علاوه بر جنبه‌های نظری و کلامی، تأثیرات عملی نبوت در زندگی فردی و اجتماعی نیز به طور دقیق تحلیل می‌شود.

۵-۲-۱. ارائه چارچوب نظری

این پژوهش می‌تواند به‌عنوان الگویی برای پژوهش‌های مشابه در زمینه مطالعات تطبیقی در علوم اسلامی و فلسفی استفاده شود. با ارائه چارچوب نظری منسجم و مدوّن، مقاله می‌تواند به‌عنوان منبعی معتبر برای محققان و پژوهشگران دیگر در این حوزه مطرح گردد. در مجموع، این تحقیق با توجه به ابعاد مختلفی که در بررسی نبوت از دیدگاه دو مکتب امامیه و اسماعیلیه پوشش می‌دهد، نقش مهمی در فهم دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر موضوع نبوت ایفا می‌کند و بستر مناسبی برای مطالعات تطبیقی و میان‌مذهبی فراهم می‌آورد.

۳-۱. اهداف پژوهش

۱. این پژوهش درصدد است تا ضرورت نبوت را در دو مکتب امامیه و اسماعیلیه مورد تحلیل و بررسی قرار دهد، با تأکید ویژه بر مفاهیم عقل و وحی و چگونگی ارتباط این دو در هدایت انسان‌ها. در این راستا، به تحلیل جایگاه عقل و وحی در تعیین ضرورت پیامبران و نقش آن‌ها در زندگی انسانی پرداخته می‌شود.

۲. هدف دیگر این مقاله، تبیین دقیق و جامع از نقش پیامبران در ارائه شریعت ظاهری و آشکارسازی حقایق باطنی است که در هر یک از مکاتب امامیه و اسماعیلیه به‌طور متفاوتی تبیین شده است. این تحلیل به درک بهتر جایگاه پیامبران در هدایت دینی و معنوی انسان‌ها کمک می‌کند.

۳. مقاله با هدف شناسایی اشتراکات میان دو مکتب در تعریف وظایف پیامبران و مقایسه تفاوت‌های موجود، به‌ویژه در زمینه‌های کلامی و فلسفی، به تحلیل دقیق نقش و وظایف پیامبران در این دو مکتب خواهد پرداخت.

۴. این پژوهش بر تحلیل تطبیقی تأکید امامیه بر عقلانیت و معجزه در ضرورت نبوت، در مقابل تمرکز اسماعیلیه بر تأویل و هدایت معنوی پیامبران متمرکز است. این مقایسه به‌ویژه در روشن‌سازی تفاوت‌های رویکردی دو مکتب در خصوص مفهوم نبوت و پیامبران اهمیت دارد.

۵. در نهایت، هدف این تحقیق ارائه چارچوبی برای تقویت تعامل میان مکاتب اسلامی از طریق تحلیل دیدگاه‌های مشترک و متمایز درباره نبوت است. این هدف به تقویت گفت‌وگوهای میان‌مذهبی و فهم بهتر از اصول اعتقادی مشترک و متمایز در زمینه نبوت کمک خواهد کرد.

این اهداف با هدف تحلیل تطبیقی دقیق و همه‌جانبه دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه در زمینه نبوت، به‌ویژه در ابعاد عقلانی، وحیانی و معنوی، طراحی شده‌اند و به‌طور کلی به تقویت فهم بهتر و جامع‌تر از نقش پیامبران در هدایت انسانی و دینی کمک می‌کنند.

۴-۱. سؤالات پژوهش

این پژوهش به تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های دو مکتب امامیه و اسماعیلیه در زمینه ضرورت نبوت و نقش پیامبران پرداخته و بر اساس اهداف تحقیق، سؤالات پژوهش این‌گونه طراحی شده‌اند:

۱. ضرورت نبوت در مکاتب امامیه و اسماعیلیه چگونه تعریف شده است؟
 ۲. پیامبران در دو مکتب امامیه و اسماعیلیه چه نقشی در آشکارسازی حقایق باطنی و هدایت معنوی دارند؟
 ۳. پیامبران چه نقشی در برقراری عدالت اجتماعی و هدایت معنوی در این دو مکتب ایفا می‌کنند؟
 ۴. چرا نبوت در مکاتب اسلامی به عنوان ابزاری ضروری برای هدایت بشر شناخته می‌شود؟
 ۵. چه تفاوت‌هایی میان دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه در مورد ضرورت نبوت وجود دارد؟
 ۶. پیامبران چگونه در تبیین شریعت ظاهری و آشکارسازی حقایق باطنی نقش ایفا می‌کنند؟
 ۷. اشتراکات دو مکتب امامیه و اسماعیلیه در تعریف وظایف پیامبران چیست؟
- این سؤالات تحقیق به تحلیل عمیق و تطبیقی دیدگاه‌های دو مکتب امامیه و اسماعیلیه در خصوص نبوت کمک می‌کنند و زمینه را برای درک بهتر نقاط مشترک و تفاوت‌های موجود در این خصوص فراهم می‌سازند.

۵-۱. جنبه نوآوری

مقوله نبوت در مکاتب امامیه و اسماعیلیه، هرچند در متون مختلف دینی و کلامی هر یک جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما تاکنون پژوهش تطبیقی و مقایسه‌ای بین این دو مکتب در خصوص ضرورت نبوت، نقش پیامبران و ویژگی‌های خاص نبوت در هر کدام به‌طور جامع

و منظم صورت نگرفته است. بررسی تطبیقی اندیشه‌های امامیه و اسماعیلیه در خصوص نبوت نه تنها باعث روشن شدن تفاوت‌های فلسفی و کلامی این دو مکتب می‌شود بلکه امکان فهم دقیق‌تر و روشن‌تر مباحث نبوت را در میان محققان و پژوهشگران فراهم می‌آورد.

بنابراین، تحلیل تطبیقی اندیشه امامیه و اسماعیلیه در باب نبوت می‌تواند به عنوان یک نوآوری مهم در زمینه مطالعات کلامی و فلسفی در نظر گرفته شود که نه تنها به فهم دقیق‌تر و جامع‌تر مسئله نبوت کمک می‌کند، بلکه بستر مناسبی برای توسعه پژوهش‌های مشابه در حوزه‌های دیگر علوم اسلامی فراهم می‌آورد.

۱-۶. روش پژوهش

این پژوهش از روش تحلیلی - تطبیقی بهره برده و با استناد به منابع اصلی کلامی دو مکتب، دیدگاه‌های آن‌ها را بررسی کرده است. داده‌ها از طریق تحلیل متون کلیدی این دو مکتب استخراج شده‌اند.

۲. ضرورت نبوت از دیدگاه امامیه

ضرورت نبوت یکی از اصول بنیادین در کلام امامیه است که در منابع کلامی و فلسفی این مکتب به طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. امامیه معتقد است که انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادت، نیازمند هدایت الهی هستند و این هدایت از طریق پیامبران به عنوان واسطه‌های الهی تأمین می‌شود.

به طور کلی، بسیاری از متفکران امامیه، به ضرورت بعثت انبیا تأکید کرده‌اند و این ضرورت را به دلیل لزوم هدایت انسان‌ها به سوی سعادت و کمال می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). طبق نظر امامیه، عقل انسان، هرچند ابزار قدرتمندی برای شناخت حقایق است، اما به تنهایی برای هدایت کامل کافی نیست؛ از این رو، پیامبران به عنوان واسطه‌های الهی برای تکمیل هدایت عقلی و ارائه شریعت فرستاده می‌شوند (نراقی، ۱۳۶۹: ۷۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷۴). بر اساس این دیدگاه، ضرورت بعثت پیامبران به عنوان عامل تکمیل‌کننده هدایت انسان‌ها در مسیر کمال و سعادت مطرح می‌شود.

امام صادق علیه السلام در روایات مختلف به ضرورت نبوت اشاره می‌کنند و پیامبران را به عنوان «سفیران» الهی معرفی می‌نمایند که باید در میان مردم باشند تا اوامر و نواهی الهی را به آنان

ابلاغ کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۸). این سخنان به این معناست که انسان‌ها به تنهایی قادر به شناخت دقیق از اصول الهی و شرایع نیستند و برای درک کامل و صحیح آنها، به واسطه‌های الهی نیاز دارند.

از دیدگاه امامیه، پیامبران علاوه بر تبیین شریعت، نقش اساسی در تکمیل هدایت عقلی دارند. خواجه نصیر طوسی نیز بعثت پیامبران را به دلیل دربرداشتن فوائدی همچون لطف الهی و تکالیف عقلی ضروری می‌داند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۱-۲۱۳). شیخ مفید در النکت فی مقدمات الاصول دلیل جواز بعثت رسولان را قدرت و خواست الهی می‌شمرد و از قاعده لطف سخن به میان می‌آورد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۱)؛ بنابراین بعثت پیامبران دربردارنده توجّه به نیاز انسان‌ها به هدایت الهی است که عقل به تنهایی قادر به انجام دادن آن نیست.

همچنین امامیه معتقد است که یکی از وظایف پیامبران، حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از اختلافات بشری است. پیامبران با وحی الهی حقایق دینی را برای انسان‌ها آشکار می‌کنند و اختلافات بشری را کاهش می‌دهند. به‌ویژه قوانین الهی که از طریق پیامبران ابلاغ می‌شود، جایگزینی برای قوانین انسانی هستند که اغلب ناپایدار و ناقص‌اند. در نتیجه، پیامبران نقش بی‌بدیلی در هدایت جوامع انسانی به سوی عدالت و نظم دارند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۱؛ علم الهدی، ۱۴۱۹: ۱۷۰-۱۷۱).

یکی دیگر از جنبه‌های ضرورت نبوت در مکتب امامیه، آموزش راه‌های صحیح پرستش و ارتباط با خداوند است. امامیه معتقد است که اگر پیامبران نبودند، انسان‌ها ممکن بود در انجام دادن عبادات و مناسک دینی دچار انحراف شوند یا ارتباط خود با خداوند را از دست بدهند. این دیدگاه نشان‌دهنده اهمیت پیامبران در تنظیم رابطه میان خداوند و بندگانش است (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۲۳).

در نهایت، طبق آیات قرآن کریم، خداوند در امر بعثت انبیا می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل: ۳۶).

این آیه تأکید می‌کند که پیامبران به‌عنوان سفیران الهی در هر امتی به‌منظور هدایت انسان‌ها به سمت عبادت خدا و دوری از طاغوت‌ها فرستاده شده‌اند. در نتیجه، ضرورت بعثت پیامبران برای معرفی مسیر سعادت و تکامل انسان از طریق وحی و تأمین هدایت الهی، امری ضروری است.

از منظر امامیه، ضرورت نبوت به منظور تضمین سعادت اخروی انسان و کمال معنوی او امری ضروری است. به طور کلی، امامیه بر این باور است که نبوت به عنوان وسیله‌ای برای تکمیل هدایت عقلانی، تبیین شریعت و تنظیم روابط اجتماعی و دینی میان انسان‌ها نقش اساسی دارد و بدون آن، انسان‌ها قادر به درک کامل و درست از حقایق الهی نخواهند بود.

۳. ضرورت نبوت از دیدگاه اسماعیلیه

ضرورت نبوت در مکتب اسماعیلیه بر اساس مفهوم هدایت معنوی و تأویل آموزه‌های دینی بنا نهاده شده است. در این مکتب، نبوت نه تنها به عنوان ابزاری برای هدایت ظاهری بشر، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای آشکارسازی حقایق باطنی دین و ارتباط با عالم غیب شناخته می‌شود. این نگرش به نبوت در آثار مختلف متفکران اسماعیلی همچون ابویعقوب سجستانی، ناصر خسرو، و ابوحاتم رازی به وضوح بیان شده است.

از دیدگاه اسماعیلیان، پیامبران نه تنها برای هدایت ظاهری بلکه برای آشکارسازی حقایق باطنی دین ضروری هستند. ابویعقوب سجستانی در اثبات النبوت، نقش پیامبران را در هدایت مردم از تاریکی جهل به روشنایی معرفت برجسته کرده است (سجستانی، ۱۹۸۶: ۸۷-۸۹). طبق این دیدگاه، پیامبران با دریافت وحی الهی توانسته‌اند معانی عمیق شریعت را به مردم منتقل کنند و ارتباط میان عالم ظاهر و باطن دین را روشن سازند.

از منظر اسماعیلیان، عقل به عنوان یک ابزار شناختی برای هدایت انسان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما تنها از طریق وحی و هدایت پیامبران است که انسان‌ها می‌توانند به تعالی نهایی برسند. سجستانی معتقد است که هر شیء برای رسیدن به هدفی آفریده شده است و آفرینش عقل نیز هدفدار است؛ اما برای دستیابی به کمالات نهایی، انسان‌ها به هدایت پیامبران نیاز دارند. او پیامبران را به عنوان موجوداتی معرفی می‌کند که هم از طبیعت و هم از نفس انسانی بهره‌مند هستند و از این طریق به هدایت بشر در مسیر تعالی می‌پردازند (سجستانی، ۱۳۵۸: ۶۹).

طبق نگرش اسماعیلیه، بدون وجود پیامبران، انسان‌ها قادر به درک معانی عمیق شریعت و ارتباط با عالم غیب نخواهند بود. ناصر خسرو در جامع الحکمتین، پیامبران را تجلی نهایی حکمت الهی در جهان می‌داند و بر این باور است که پیامبران علاوه بر هدایت ظاهری، نقش

مربیان روحانی را ایفا می‌کنند که انسان‌ها را به سمت کمال معنوی هدایت می‌نمایند. او معتقد است که تنها از طریق پیامبران است که انسان‌ها می‌توانند به تفسیر و تأویل درست آموزه‌های دینی دست یابند (ر.ک: ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۱۱-۱۵۴).

ابوحاتم رازی نیز در آثار خود بیان می‌کند که بعثت پیامبران برای هدایت انسان‌ها به سمت تعالی در دین و دنیا ضروری است. به نظر او، پیامبران با دریافت علوم الهی از طرف خداوند، به تمامی مسائل مسلط هستند و قادرند این علوم را به مردم منتقل کنند. این دانش وسیع به پیامبران این توانایی را می‌دهد که در همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها، از مسائل دینی تا اجتماعی، هدایت و راهنمایی کنند (رازی، ۱۳۷۸: ۳۱).

در دیدگاه اسماعیلیه، بعثت پیامبران، تنها برای هدایت ظاهری انسان‌ها نیست؛ بلکه به‌عنوان راهی برای ایجاد پیوند میان ظاهر و باطن دین و تأویل آموزه‌های دینی است. به‌طور خاص، پیامبران در هر جنبه‌ای که صلاح دین و دنیای انسان‌ها باشد، هدایت می‌کنند و توده‌های مردم را در سیاست و اصول زندگی درست راهنمایی می‌نمایند.

از دیدگاه اسماعیلیه، ضرورت نبوت به‌طور مستقیم با هدایت معنوی، تأویل آموزه‌ها و ایجاد پیوند میان ظاهر و باطن دین مرتبط است. پیامبران در این مکتب به‌عنوان راهنماییانی معرفی می‌شوند که انسان‌ها را به سمت کمال روحانی و اتحاد با حقیقت الهی هدایت می‌کنند. در نتیجه، نبوت از منظر اسماعیلیه، نه تنها ابزاری برای هدایت ظاهری، بلکه ابزاری ضروری برای رسیدن به تکامل معنوی انسان‌ها و درک عمیق‌تر از حقیقت دین است.

۴. فواید نبوت در امامیه

نبوت در اندیشه امامیه، نه تنها وسیله‌ای برای هدایت بشر، بلکه به‌عنوان یک مسیر ضروری برای پیشرفت معنوی و اجتماعی انسان‌ها مطرح است. پیامبران در این مکتب، نقش مهمی در هدایت جامعه بشری ایفا می‌کنند و به‌واسطه رسالت الهی خود، فواید متعدد اجتماعی و فردی را برای بشر به ارمغان می‌آورند. این فواید در ابعاد مختلف: اجتماعی، فردی، عقلانی و معنوی قابل بررسی است.

۴-۱. هدایت اجتماعی و برقراری عدالت

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾ (حدید: ۲۵).

این آیه به وضوح نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران، برقراری عدالت اجتماعی است. امامیه بر این باور است که پیامبران با ارائه قوانین الهی، نظم و عدالت را در جامعه برقرار می‌کنند و انسان‌ها را از گم‌راهی نجات می‌دهند. نصیرالدین طوسی، قوانین الهی را به دلیل جامعیت و ثبات آنها جایگزین مناسبی برای قوانین انسانی می‌داند و به همین دلیل، نبوت را برای برقراری عدالت اجتماعی ضروری می‌داند (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰۲-۱۰۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷۴).

۲-۴. تقویت ارتباط با خداوند

پیامبران در اندیشه امامیه علاوه بر هدایت اجتماعی، نقش مهمی در تقویت ارتباط انسان‌ها با خداوند دارند. سید مرتضی در الذخیره بر این نقش تأکید می‌کند و معتقد است که این ارتباط ضروری برای تقرب به خداوند است. پیامبران به‌عنوان واسطه‌های الهی، راه‌های صحیح پرستش و عبادت را به مردم می‌آموزند و از طریق وحی، انسان‌ها را به سمت کمال معنوی و نزدیکی به خداوند هدایت می‌کنند (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۲۳-۳۲۵).

۳-۴. آموزش مصالح و مفاسد

در اندیشه امامیه، خداوند پیامبران را برای معرفی مصالح و مفاسد امور به بشر مبعوث کرده است. انسان از طریق عقل نمی‌تواند تمامی مصالح و مفاسد را درک کند و این، نیاز به وحی الهی دارد. پیامبران به‌واسطه تعلیمات خود، انسان‌ها را از مفاسد دور می‌کنند و به آنان آگاهی می‌دهند. این تعلیمات موجب هدایت بشر به سوی مسیر درست زندگی و دوری از اعمال زشت و ناپسند می‌شود.

۴-۴. تأیید احکام عقلی و دریافت‌های عقلی

یکی از فواید دیگر بعثت پیامبران در اندیشه امامیه، تأیید و تثبیت احکام عقلی است. سید مرتضی تأکید می‌کند که بعثت پیامبران حتی در صورتی که فقط برای تأکید احکام عقلی باشد، نه تنها عبث نیست، بلکه با حکمت الهی هم‌خوانی دارد. پیامبران گاهی برای تقویت و تأسیس باورهای عقلی و جهت‌گیری‌های صحیح به‌طور صریح دعوت می‌کنند که این تأکید به تثبیت عقلانی مفاهیم دینی کمک می‌کند (ر.ک: همان: ۳۲۳-۳۲۵).

۴-۵. آگاه ساختن مردم از قطعی بودن عذاب گنهکاران

پیامبران در اندیشه امامیه، نقش مهمی در آگاه‌سازی مردم از نتایج گناه و عذاب آن دارند. عقل انسان ممکن است قادر به درک تمام جزئیات عذاب گنهکاران نباشد؛ اما پیامبران با راهنمایی‌های الهی، انسان‌ها را از عذاب قطعی برای گناهکاران آگاه می‌سازند. این آگاهی‌ها از طریق کلام و وحی پیامبران به مردم منتقل می‌شود و بدین وسیله، مردم را از عواقب گناه آگاه می‌سازند.

۴-۶. زدودن خوف و نگرانی

یکی از فواید نبوت در اندیشه امامیه، زدودن خوف و نگرانی انسان‌هاست. انسان‌ها ممکن است با استفاده از عقل خود به این نتیجه برسند که جهان آفریدگاری دارد و از این‌رو ممکن است از تصرفاتی که بدون اذن خداوند در جهان انجام دهند، بترسند. پیامبران با رسالت خود، انسان‌ها را از خوف و نگرانی‌های بی‌مورد رهایی می‌بخشند و آنان را به اطمینان و آرامش در برابر حکمت و اراده الهی هدایت می‌کنند.

۴-۷. شناخت حسن و قبح افعال

عقل انسان برخی افعال را درک می‌کند، برای مثال می‌داند که انجام دادن کارهای نیک مانند احسان به دیگران، حُسن است و ظلم، قبیح؛ اما در برخی موارد، عقل نمی‌تواند به‌طور کامل نسبت به حُسن و قبح افعال حکم دهد. برای نمونه، ممکن است عقل انسان نتواند حکم کند که روزه در عید قربان حرام است. در چنین مواقعی پیامبران وارد عمل می‌شوند و از طریق وحی، معنای دقیق و صحیح احکام را به بشر می‌آموزند.

۴-۸. بیان سودها و زیان‌ها

پیامبران به انسان‌ها می‌آموزند که کدام امور به سود آنهاست و کدام‌یک زیان‌آور است. خواجه نصیرالدین طوسی اشاره دارد که عقل انسان ممکن است نتواند سود و زیان برخی امور را به‌طور دقیق تشخیص دهد، مگر پس از تجربه و آزمایش. برای مثال، برخی خوراکی‌ها و داروها ممکن است برای بدن انسان مفید یا مضر باشند که این مسائل به‌طور کامل توسط پیامبران به مردم آموخته می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۱).

۴-۹. کمال انسان و تکمیل افراد ناقص

یکی از اهداف بعثت پیامبران در اندیشه امامیه، کمال بخشی به انسان هاست. افراد بشر در ادراک کمال و تحصیل معارف و اکتساب فضایل مختلف اند. پیامبران به عنوان راهنمایان الهی، افراد ناقص را در مسیر کمال قرار می دهند و به آنها کمک می کنند تا از استعداد های خود بهره برداری کنند (همان).

۴-۱۰. تعلیم صنایع خفی و شیوه زندگی

پیامبران همچنین برخی از صنایع خفی و حرفه های لازم برای زندگی بشر را به انسان ها آموخته اند. برای مثال، حضرت نوح علیه السلام به انسان ها کشتی سازی را آموخت تا در برابر طوفان ها و مشکلات طبیعی از آن بهره برداری کنند. این آموزش ها به انسان ها کمک می کند تا به طور مؤثر در محیط خود زندگی کنند (همان).

۴-۱۱. تعلیم اخلاق و سیاست

پیامبران در اندیشه امامیه همچنین وظیفه دارند که اخلاق انسانی و شیوه های درست زندگی اجتماعی، از جمله: اداره خانه، خانواده و جامعه را به مردم آموزش دهند. برخی به این نکته اشاره دارند که پیامبران، نه تنها اصول اخلاقی را به مردم می آموزند، بلکه به طور مستقیم به شیوه های اداره اجتماع و سیاست گذاری صحیح نیز پرداخته اند (همان؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷۸).

در مجموع، فواید نبوت در اندیشه امامیه در ابعاد مختلف: اجتماعی، فردی، عقلانی و معنوی مشاهده می شود. پیامبران با ارائه هدایت های الهی، نه تنها نظم و عدالت اجتماعی را برقرار می کنند، بلکه به انسان ها در زمینه های اخلاقی، اجتماعی و معنوی نیز یاری می رسانند. این فواید موجب می شود تا بعثت پیامبران در اندیشه امامیه، نه تنها یک امر ضروری بلکه یک ضرورت الهی برای تکامل انسان ها در تمام جنبه های زندگی باشد.

۵. فواید نبوت در اسماعیلیه

نبوت در اندیشه اسماعیلیه به عنوان وسیله ای برای هدایت انسان ها به سوی کمال و سعادت مطرح می شود. در این مکتب، پیامبران به عنوان مبلغان و راهنمایان الهی معرفی می شوند که برای هدایت انسان ها و ارتقای آگاهی و معرفت آنان مبعوث شده اند. این پیامبران با تعالیم خود

به بشر کمک می‌کنند تا از جهل و تاریکی به سوی نور معرفت و کمال معنوی حرکت کنند. در ادامه به بررسی فواید بعثت پیامبران از دیدگاه اسماعیلیه پرداخته می‌شود.

۵-۱. هدایت معنوی و ارتقای معرفت باطنی

در اندیشه اسماعیلیه، پیامبران به‌عنوان واسطه‌هایی برای انتقال نور الهی به انسان‌ها شناخته می‌شوند. پیامبران، مردم را از سطح درک ظاهری و جهل که به تاریکی شباهت دارد، به عمق معرفت باطنی که روشنی و نور است، هدایت می‌کنند. این فرآیند، حرکت از دنیا و ظاهر به سوی عالم باطن و حقیقت است. در این راستا، انسان‌ها قادر می‌شوند تا معانی عمیق‌تر و باطنی‌تر شریعت را درک کنند و به نور الهی دست یابند (ر.ک: سجستانی، ۱۹۸۶: ۸۷-۸۹).

۵-۲. به تعالی و کمال رساندن انسان‌ها

پیامبران با ارسال پیام‌های الهی، انسان‌ها را به سمت رشد و تکامل در ابعاد مختلف هدایت می‌کنند. آن‌ها با تعلیم اصول اخلاقی، دینی و اجتماعی، انسان‌ها را از تاریکی‌های جهل و فساد بیرون می‌آورند و به سوی نور علم، فضیلت و عدالت می‌برند. بعثت پیامبران، در واقع، راهی برای رسیدن انسان‌ها به هدف نهایی خلقت یعنی کمال معنوی و روحی است. در این مسیر، فرد می‌تواند به آگاهی، صداقت، محبت و مسئولیت اجتماعی دست یابد و در مسیر درست، زندگی کند. به بیان دیگر، پیامبران در این فرآیند به انسان‌ها کمک می‌کنند تا به هدف نهایی خلقت که همان کمال معنوی است، دست یابند (سجستانی، ۱۳۵۸: ۶۹).

۵-۳. پیوند ظاهر و باطن دین (درک معانی عمیق شریعت و ارتباط با عالم غیب)

پیامبران در اندیشه اسماعیلیه، نه تنها تعالیم ظاهری دین را بیان می‌کنند، بلکه حقایق باطنی آن را نیز آشکار می‌سازند. از این رو، آنها نقشی دوگانه به‌عنوان مربیان روحانی ایفا می‌کنند که انسان‌ها را به سوی کمال معنوی هدایت می‌کنند. اسماعیلیه تأکید دارند که پیامبران معانی عمیق شریعت را برای مؤمنان فاش می‌کنند و آنان را قادر می‌سازند تا از ظاهر دین فراتر روند و به حقیقت و باطن دین پی ببرند. این پیوند میان ظاهر و باطن دین، درک کامل و جامع از دین را برای پیروان فراهم می‌آورد و آنان را به‌طور کامل با عالم غیب ارتباط می‌دهد. ناصر خسرو در آثار خود به این امر اشاره می‌کند و تأکید دارد که پیامبران، تنها کسانی هستند که می‌توانند این معانی باطنی را برای انسان‌ها روشن کنند (ر.ک: ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۱۱-۱۵۴).

۴-۵. آموختن دانش و علم به مردم

در اندیشهٔ اسماعیلیه، پیامبران حامل تمام علوم و آگاهی‌های الهی هستند. ابوحاتم رازی به این باور اشاره می‌کند که پیامبران، به تمام علوم آگاه هستند و از این‌رو قادرند این دانش‌ها را به انسان‌ها منتقل کنند تا موجب هدایت و رشد آنان شوند. بسیاری از این دانش‌ها، تنها نزد پیامبران موجود است و به واسطهٔ وحی الهی به انسان‌ها منتقل می‌شود. از آن‌جا که پیامبران به تمامی علوم آگاه هستند، می‌توانند انسان‌ها را در مسیر درست هدایت کنند و از این طریق، مردم را از جهل و نادانی‌های بختی بخشند (رازی، ۱۳۷۸: ۳۱).

۵-۵. راهنمایی کردن در امور دین و دنیا

اسماعیلیه معتقدند که پیامبران نه تنها در امور دینی، بلکه در مسائل دنیوی نیز به انسان‌ها راهنمایی می‌کنند. ابوحاتم رازی بر این باور است که پیامبران مطالب و مسائلی را که نیازهای انسان‌ها را برطرف می‌کنند، به آنان آموزش می‌دهند. از این‌رو، پیامبران در هدایت انسان‌ها در مسیر درست زندگی و تعالی بسیار مؤثرند و می‌توانند آنان را از انحرافات دینی و دنیوی دور نگه دارند. به عبارت دیگر، پیامبران با بیان مسائل مربوط به دین و دنیا، موجب رستگاری انسان‌ها در هر دو جهان می‌شوند. از آن‌جایی که پیامبران، تنها کسانی هستند که تمام مصالح دین و دنیا را می‌دانند، بهترین راهنمایان برای بشر در تمامی امور هستند (همان).

۶-۵. سرپرستی و سیاست‌مداری

در اندیشهٔ اسماعیلیه، پیامبران به‌عنوان سیاست‌مداران الهی و سرپرستان جامعهٔ بشری شناخته می‌شوند. آنها علاوه بر هدایت دینی، مسئولیت مدیریت و هدایت اجتماعی را نیز بر عهده دارند. پیامبران برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی و سیاسی، سیاست‌های درست را به مردم می‌آموزند و آنها را در مسیر صحیح هدایت می‌کنند. از آن‌جا که پیامبران به‌طور کامل از اهداف و مقاصد الهی آگاهند، می‌توانند سیاست‌های درست را در جهت منافع مردم اعمال کنند و از انحرافات جلوگیری نمایند (همان).

در مجموع، در اندیشهٔ اسماعیلیه، پیامبران به‌عنوان مبلغان و راهنمایان الهی شناخته می‌شوند که نقش مهمی در هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت ایفا می‌کنند. از نظر اسماعیلیه، بعثت پیامبران، نه تنها موجب هدایت دینی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای ارتقای معرفت باطنی، به تعالی



رساندن انسان‌ها و پیوند میان ظاهر و باطن دین است. پیامبران با آموزش علوم، راهنمایی در امور دینی و دنیوی و سرپرستی سیاست‌های اجتماعی، انسان‌ها را در مسیر رشد و کمال معنوی و اجتماعی قرار می‌دهند. این آموزه‌ها، به انسان‌ها کمک می‌کند تا در مسیر صحیح زندگی گام بردارند و از انحرافات دور شوند و در نهایت به سعادت و رستگاری در هر دو جهان دست یابند.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه درباره ضرورت و فواید نبوت پرداخته و نشان داده است که نبوت، به عنوان یکی از اصول اساسی تفکر اسلامی، در هر دو مکتب جایگاه محوری دارد. امامیه بر این باور است که نبوت به عنوان وسیله‌ای برای تکمیل هدایت عقلانی، تبیین شریعت و تنظیم روابط اجتماعی و دینی میان انسان‌ها نقش اساسی دارد و بدون آن، انسان‌ها قادر به درک کامل و درست از حقایق الهی نخواهند بود. از دیدگاه اسماعیلیه، ضرورت نبوت به طور مستقیم با هدایت معنوی، تأویل آموزه‌ها و ایجاد پیوند میان ظاهر و باطن دین مرتبط است. امامیه با تأکید بر عقلانیت و معجزه، نبوت را ابزاری برای تکمیل هدایت عقلانی، حل اختلافات اجتماعی و ارائه شریعت الهی می‌داند. از منظر این مکتب، پیامبران، نه تنها واسطه میان انسان و خداوند هستند، بلکه نقش مهمی در برقراری نظم اجتماعی و تحقق عدالت ایفا می‌کنند. در مقابل، اسماعیلیه با تمرکز بر تأویل و کشف حقایق باطنی، پیامبران را راهنمایانی معنوی معرفی می‌کند که انسان‌ها را از سطح ظاهری دین به عمق معانی باطنی هدایت می‌کنند و پیوند میان ظاهر و باطن دین را آشکار می‌سازند.

این تفاوت‌ها ریشه در مبانی فلسفی و کلامی متمایز دو مکتب دارد اما اشتراکاتی مانند: تأکید بر عصمت پیامبران و ضرورت وحی برای تکمیل محدودیت‌های عقل انسانی میان آن‌ها وجود دارد. هر دو مکتب، نبوت را ابزاری حیاتی برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و ارتباط با حقیقت الهی می‌دانند.

یافته‌های این پژوهش، علاوه بر روشن‌سازی تمایزها و اشتراکات فکری این دو مکتب، نشان می‌دهد که مطالعات تطبیقی می‌تواند به تقویت تعاملات میان‌مذهبی، کاهش سوء تفاهم‌ها و درک عمیق‌تر مفاهیم بنیادین اسلام کمک کند. این تحقیق بستری مناسب برای پژوهش‌های آینده در حوزه مقایسه تطبیقی مکاتب فکری و فلسفی اسلامی فراهم می‌کند و به ارتقای گفت‌وگوهای علمی میان مکاتب مختلف کمک شایانی خواهد کرد.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸ ش)، تفسیر موضوعی وحی و نبوت، قم: انتشارات اسراء، هفتم.
۲. رازی، ابو حاتم، (۱۳۷۸ ش)، ترجمه اعلام النبوة، ترجمه: سید علی اکبر واعظ موسوی، تهران: نشر مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، دوم.
۳. سجستانی، ابویعقوب، (۱۳۵۸ ش)، کشف المحجوب، بی جا: نشر زبان و فرهنگ ایران.
۴. _____، (۱۹۸۶ م)، اثبات النبوت، بیروت: نشر دارالمشرق.
۵. شیخ مفید، (۱۴۱۳ ق)، النکت فی مقدمات اصول، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: انتشارات المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۶. طوسی، نصیر الدین، (۱۴۰۷ ق)، تجرید الاعتقاد، تهران: مرکز نشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.
۷. _____، (۱۴۱۳ ق)، رساله قواعد العقائد، تحقیق: علی حسن خازم، بیروت: نشر دار الغریة.
۸. علم الهدی، علی بن الحسین، (۱۴۱۱ ق)، الذخيرة فی علم الکلام، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه قم.
۹. _____، (۱۴۱۹ ق)، شرح جمل العلم و العمل، تصحیح: یعقوب جعفری، تهران: نشر منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ دوم.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۴ ش)، آموزش عقائد، قم: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، هفدهم.
۱۲. نراقی، مهدی، (۱۳۶۹ ش)، انیس الموحدين، تهران: نشر الزهرا.
۱۳. ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۶۳ ش)، جامع حکمتین، تهران: کتابخانه طهوری، دوم.